

بانوان محله آبکوه، با درآمدزایی خلاقانه، گره از کار خلق باز می‌کنند

قصه اقتصاد مقاومتی در مکتب و خیریه نرجسیه



راه تجربه



صدرا در پیچ و خم کوچه‌های محله آبکوه، خانه‌ای قدیمی به پناهگاهی برای مهربانی تبدیل شده است. همه چیز از یک جلسه ساده قرائت قرآن در بولوار شهید صادقی شروع شد. زهرا ملک جعفریان، بانی این کار خیر، خوب می‌دانست که تفسیر حقیقی قرآن، در خدمت به خلق نهفته است. حالا ۲۷ سال پس از آن روزها، آنچه به یادگار مانده، تنها یک مکتب آموزشی نیست؛ جریانی است از جنس عشق که از زیرزمین خانه همسایه‌ها آغاز شد و اکنون به کارگاه توانمندسازی، صندوق قرض الحسنه و گروه جهادی پرشور در روستاهای دورافتاده رسیده است. این گزارش، روایتی است از بانوانی که با تکیه بر اقتصاد مقاومتی، چرخ زندگی محرومان را با هنر دست می‌چرخانند.

✿ میراثی که از سال ۷۶ ماندگار شد

داستان این همدلی به سال‌ها پیش بازمی‌گردد؛ به سال ۱۳۷۶، زمانی که زهرا ملک جعفریان درس حوزه را به پایان رساند. او که از همان زمان دغدغه کار فرهنگی و تبلیغی داشت، فعالیت‌های خود را به درخواست همسایه‌ها با برگزاری کلاس‌های قرائت قرآن و سخنرانی در محدوده بولوار شهید صادقی آغاز کرد و به این ترتیب «مکتب و خیریه نرجسیه» متولد شد. در ابتدا، مکتب تنها مکانی برای آموزش قرآن و احکام بود. اما زهرا خانم و هم‌راهانش به خوبی می‌دانستند که عمل به قرآن، در خدمت به خلق نهفته است. به مرور، مشاوره ازدواج و کارگاه‌های تربیت فرزند نیز به برنامه‌ها اضافه شد و حتی دانش آموزان محله از کلاس‌های تقویتی درسی این مجموعه بی‌بهره نمی‌مانند. زهرا خانم می‌گوید: تا همین پنج سال پیش، جلسات در زیرزمین خانه همسایه‌ها یا مساجد و حسینیه‌های چرخید، اما هر جاکه می‌رفت، عده‌ای بیشتر به این جمع عاشق می‌پیوستند.

✿ صندوقی برای رفع مشکلات محرومان

با بزرگ‌تر شدن جمع، نیازهای اعضا بیشتر خود را نشان داد. زهرا خانم و اعضای فعال جلسه، افراد نیازمند محله را شناسایی کردند و برای رفع مشکلاتشان تصمیم گرفتند صندوق قرض الحسنه مکتب را راه بیندازند. زهرا خانم می‌گوید: صندوق، مرهمی بود بر زخم‌های مالی خانواده‌هایی که برای مبالغ اندک در مضیقه بودند. وام‌هایی بدون بهره و با اقساط ماهیانه پرداخت می‌شد که به عزت نفس خانواده‌ها هالطمه نمی‌زد.

زهرا خانم و دوستانش در کنار کارهای خیرشان توزیع بسته‌های معیشتی در اول ماه رمضان، ماه رجب، عید نوروز، مهرماه و دهه فاطمیه و محرم را شروع کردند. ولی برای انجام این کار خیر و همچنین تهیه جهیزیه، سیسمونی و فعالیت‌های دیگر نیاز به درآمد داشتند و این شروع فعالیت دیگرشان یعنی چادر دوزی را رقم زد.

✿ کارگاه‌های اقتصاد مقاومتی بانوان

باید راهی برای درآمدزایی ایجاد می‌کردند. زهرا خانم دست به کار شد و با خانم‌های خیاط مجامعه مشورت کرد و کارگاه دوخت چادر زنانه راه‌اندازی کردند. زهرا خانم می‌گوید: با پول صندوق، پارچه می‌خریدیم و چادر می‌دوختیم و در همان جلسات هفتگی چهارشنبه‌ها به فروش می‌رساندیم. سود حاصل از این کار، برکتی شد برای خرید جهیزیه و سیسمونی. به تدریج، بانوان دیگر هم وسایل سالم و نو مثل نشان را که نیاز نداشتند به مکتب اهدا کردند تا هیچ عروسی بدون جهیزیه به خانه بخت نرود. در زیرزمینی در محله آبکوه که خانواده حسینی سخاوتمندانه در اختیار خیریه قرار داده‌اند، فضایی چند منظوره ایجاد شده است. در بخشی از آشپزخانه، دستگاه‌های مخصوص خشک کردن میوه و سبزیجات قرار دارد. همه چیز اینجا ارگانیک و بهداشتی تهیه می‌شود و مشتریان خاص خود را میان بانوان مکتب دارد. درآمد این بخش به صندوق واریز می‌شود و برای تهیه سیسمونی و جهیزیه و تشویق خانواده‌ها به فرزندآوری در نظر گرفته شده است.

✿ بیش از ۳۰۰ سری جهیزیه و ۱۰۰ سیسمونی

وقتی به دفتر ثبت فعالیت‌های خیریه نگاه می‌کنیم، اعداد معنای دیگری پیدا می‌کنند. در همه این سال‌ها، بیش از سیصد سری جهیزیه کامل و در چهار سال اخیر، بیش از صد مورد سیسمونی به خانواده‌های شناسایی شده اهدا شده است. زهرا خانم با لبخندی که نشان از رضایت دارد، دفتر مخصوص اهدای سیسمونی را نشان می‌دهد و می‌گوید: این صد و هفتاد سیسمونی ای است که تکمیل می‌شود. علاوه بر این، طرح مشارکتی قربانی را هم فعال کرده‌ایم. هر ماه اگر کسی قصد قربانی گوسفند داشته باشد، مکتب با او مشارکت می‌کند و به همان میزان، گوشت گرم در اختیار خانواده‌های محروم قرار می‌دهد. همچنین در ابتدای مهرماه و سال نو، لوازم تحریر و لباس مدارس برای دانش آموزان تأمین می‌شود تا فقر، مانعی برای تحصیل هیچ کودکی در این محدوده و حتی مناطق حاشیه شهر نباشد.

✿ سفیران مهربانی در روستاهای دورافتاده

دایره فعالیت‌های این بانوان، به مرزهای محله آبکوه و بولوار سازمان آب ختم نمی‌شود. آن‌ها گروه جهادی مهر نرجسیه، راه‌انداخته‌اند و ۱۰ عضو فعال، راهی مناطقی می‌شوند که کمتر کسی به آنجا سر می‌زند. روستاهایی چون جیم‌آباد، قیاس‌آباد، حکیم‌آباد و علی‌آباد، مقصد سفرهای جهادی آن‌هاست. آن‌ها فقط وسیله و لباس نمی‌برند؛ بلکه هنرشان را هم به مردم می‌آموزند تا از این طریق کسب درآمد کنند. زهرا خانم می‌گوید: همراه تعدادی از خانم‌ها در این اردوها کلاس‌های احکام و تفسیر برگزار می‌کنیم و دیگر بانوان هنرمند، به زنان روستا خیاطی، ساخت زیورات و مکرومه بافی می‌آموزند تا راهی برای کسب درآمد داشته باشند. این یعنی توانمندسازی به معنای واقعی کلمه. زهرا خانم ادامه می‌دهد: اینجا خانه همدلی و همیاری است و همه با عشق و بدون چشمداشت کار می‌کنند. الگوی ما خانم فاطمه زهرا (س) و خانم نرجس (س) هستند.

✿ خانه‌ای که پناه مهربانی شد

حدود پنج سال است که فعالیت‌های مکتب در زیرزمین خانه طاهره جوهری و همسرش، آقای حسینی، متمرکز شده است. طاهره خانم که خود فرهنگی بازنشسته است، می‌گوید: پسرم که از پیش مارفت، تصمیم گرفتیم این طبقه را وقف حسینی کنیم. وقتی دیدم زهرا خانم به فضای ثابت نیاز دارد، باکمال میل اینجارا در اختیارشان گذاشتیم. آقای حسینی نیز به عنوان عضو هیئت مدیره، مسئولیت تهیه مواد اولیه برای کارگاه میوه خشک‌کنی را بر عهده گرفته است. طاهره خانم و دیگر بانوان مکتب، هفته‌ای سه روز برای شست و شو، خرید کردن و خشک کردن محصولات به این‌جامی آیند. این خانه، حالا به مرکزی تبدیل شده که در آن حتی برای مجردها هم آستین بالایی زنده و با شناسایی دختران و پسران شایسته، زمینه ساز ازدواج‌های آگاهانه می‌شوند.

✿ هنرهایی برای توانمندسازی

در اتاق خیاطی، جایی که دور تادور آن راپاقه‌های پارچه و چرخ‌های خیاطی فرا گرفته است، طاهره محمدی و نرجس خاکساری، مدیریت کارها را بر عهده دارند. طاهره خانم بیش از بیست سال است با زهرا ملک جعفریان، مدیر مکتب، همکاری می‌کند. او هنر خیرخواهی را از خواهر مرحومش آموخته است و می‌گوید: خواهر بزرگم همیشه کار خیر انجام می‌داد و بر اثر سرطان از دنیا رفت. از همان زمان تصمیم گرفتم راهش را ادامه دهم. در یکی از مراکزی که زهرا خانم جلسه قرآن داشت با او آشنا شدم و از همان زمان همراهشان هستم. در اردوهای جهادی، مربی هنرهای دستی هستم و به زنان و دختران مناطق محروم می‌آموزم که چطور با دستانشان و کارهای هنری، چرخ زندگی‌شان را بچرخانند.

پشت یکی از چرخ‌های خیاطی، نرجس خاکساری بادقتی ستودنی مشغول دوختن لباس نوزاد است. او که برادرش در راه

میهن شهید شده است، می‌گوید هنر خیاطی‌اش را نذرشادی روح برادر و کمک به محرومان کرده است. نرجس خانم که به واسطه کلاس‌های ورزشی و از طریق همسایه‌ها با این گروه آشنا شده، حالا یکی از ستون‌های تهیه سیسمونی است. او با افتخار می‌گوید: در همین ماه گذشته با همکاری دیگر بانوان موفق شدیم چهار سری سیسمونی کامل را آماده و اهدا کنیم. امیدوارم با این هنر بتوانیم گرهی از کار خانواده‌ای محروم باز کنیم و لبخند را به لبانشان بیاوریم.

